

مساله جاسوسی و چشم اندازی بر روابط روسیه - امریکا

فاروق فردا

موضع داغ جهانی هفته گذشته، مساله جاسوس گیری های متقابل در کشور های ایالات متحده و فدراتیف روسیه به ویژه دستگیری جاسوس هایی به نفع روسیه در امریکا بود که توجه رسانه ها را به خود جلب کرد و دیدار دو رهبر دمیتری مدویدف و باراک اوبا ما را زیر سایه قرار داد.

مساله جاسوسی در میان کشور های رقیب یک مقدار تاریخ پیشرفته دارد. به ویژه در روابط امریکا و شوروی سابق، نقش اساسی و تعیین کننده را ادارات استخباراتی دو کشور دارا بودند. اما به طور خلاصه می توان گفت که فعالیت های استخباراتی و جاسوسی گری در میان کشور های رقیب به خاطر برتری جویی بر همدیگر یکی از شیوه های موثر به شمار می رود. زیرا داشتن اطلاعات به منظور اقدامات پیشگیرانه در سیاست، موثریت خود را همیشه حفظ می کند.

بعد از جنگ دوم جهانی که انگلیس از سردمداری به عقب کشیده شد و ایالات متحده د راس متحدین قرار یافت، یکی از دلایل عمده برای پیش کشیده شدن امریکا این بود که ایالات متحده می تواند در جنگ سرد با اتحاد شوروی مبارزه کند. در سال های پس از 1945 که از یک طرف ایده های کمونیستی در شوروی و هم چنان در کشور های روبه انکشاف با سرعت برای شان راه باز می کرد و از طرف دیگر ایالات متحده نه تنها در اروپای غربی، بل در ممالک عربی و آسیایی برای مقابله با کمونیزم و سرباز گیری تدافعی در برابر آن نیز

اقدامات پیش‌گیرانه می‌نمود. با ظهور جمال عبدالناصر، ایالات متحده و متحدین آن با دستپاچگی تمام و بدون تفکر بر عواقب، جنبش‌هایی را در جهان عرب ایجاد و به تصور سد در برابر کمونیزم پشتیبانی کردند که امروز همه بر ضد خود آنان در حرکت هستند.

به هر حال جنگ سرد با شدت میان شوروی او آمریکا جریان داشت و نقش اساسی پیشبرد آن در هردو کشور بر عهده سازمان‌های استخباراتی بود که یکی از اجزاء مهم آن را همانا سازماندهی جاسوسی تشکیل می‌داد. دلیل توجه کشورها و به ویژه ابرقدرت‌ها به سازمان‌های استخباراتی در این جنگ آن بود که، استخبارات در هردو کشور حرف اول و آخر را می‌گفتند. به ویژه حرف آخری باید از زبان آنان می‌برآمد و دولت‌ها و حکومت‌ها در قدمه دوم یا عمال برنامه‌ها و اهدافی بودند که استخبارات کشورها همراه با پیش‌منظرها و پس‌منظرها مسایل را طرح ریزی می‌کردند.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و حکومت ایدالوژیکی در این کشور تا یک مدتی، ایالات متحده در جهان با رقیبی مواجه نبود. اروپا را به خاطر آن که جای اتحاد شوروی را در بربر آمریکا گرفته نتواند به اصطلاحات «نو» و «کهنه» تقسیم کرده بود. در جهان عرب همان‌گونه که اسلام را به خاطر دفع خطر کمونیزم بهانه گرفته بود، در آن زمان اسلام علیه اسلام قرار گرفته و به نام «تندرو» و «میانه رو» به جان هم افتیده بود. تنها دو کشور ایران و عراق که اگر خطر بزرگی ایجاد کرده نمی‌توانستند کم از کم در طولانی ساختن راه به منظور پیشروی‌ها در منطقه موثر بودند به انحاء مختلف ضربه‌هایی را متحمل شدند. وضعیت عراق که معلوم است و ایران هم انتظار سرنوشت مانند را می‌کشد. کشور‌های مشترک المنافع جدا شده از بدنه شوروی سابق که آمریکا گفته جان می‌دادند بدون تفکر سیاسی مبنی بر وضعیت خود، چون روسپی‌های

روی بازار، با قیمت های ارزان، به آغوش ایالات متحده غلتیدند. به ویژه کشور های مسلمان نشین این سرزمین که تا امروز مزه های تلخ دوستی شان با غرب و امریکا را می چشند.

با این وضعیت چون از یک طرف روسیه فدراتیف در حالت گذار واقع شد و مجبور بود که وضعیت داخلی اش را بیشتر بها بدهد، و از طرف دیگر کهنه کاری های امریکا روبه تحقق بودند، استخبارات از موقف حرف آخر گفتن به موقف مشورتی پایین آمدند. مسایل جدید قابل مطرح در این کشور ها از سطح درک و تصمیم استخبارات بالا واقع شدند.

در گذشته ها که یک نفر جاسوس و یا هم کسی که متهم به جاسوسی به کشور رقیب می شد، ماه ها و سال ها طول می کشید تا مساله اش یک طرفه شود. یا کشور های ذینفع از شناخت وی منصرف می شدند و یا هم به خاطر رهایی اش مجدانه تلاش می کردند اما موفق نمی شدند که در چندین سال به کمک وی برسند. اما امروز صرف چند روز بعد از دستگیری جاسوس ها، امریکا معتقد می شود که باید این مساله یک طرف گردد و روسیه هم با عمل بالمثل، جاسوس های آن کشور را عفو می کند و در ازای رهایی اتباع خود چهار تن زندانی امریکایی را به آن کشور اعزام داشته و یا به سفارت آن کشور در مسکو تسلیم می نماید.

مساله دستگیری جاسوس های روسی در امریکا در حالی صورت می گیرد که صرف دو روز پیش ازین حادثه دمیتری مدویدف رییس جمهور فدراتیف روسیه و باراک اوباما رییس جمهوری امریکا در باره چگونگی کاهش تسلیحات تهاجمی ملاقات و دید و بازدید بسیار مهمی را انجام دادند.

ملاقات اوباما و مدویدف بر علاوه موضع فوق از جهت تامین روابط و یا نارملیزه شدن روابط متقابل میان دوکشور نیز حایز اهمیت فراوان است. در ایالات متحده اوباما و تیم کاری او علاقمند

بهبود این روابط هستند. زیرا در بسا مسایل اهم و حیاتی برای دوکشور هیچ کدام آن به تنهایی قادر نمی باشند در گرهگشایی آن موفقیت به دست آرند. ما پیش از ملاقات رهبران دوکشور، شاهد سفر بیل کلنتون رییس جمهور پشت پرده امریکا به فدراتیف روسیه بودیم. که توانست طی ملاقات های «بدون نکتایی» با رهبران فدراتیف روسیه در نزدیک ساختن دو کشور نقش موثری را ایفا نماید. از این جهت در پشت پرده قرار داد کاهش تسلیحات تهاجمی روسیه و امریکا راه های در نظر گیری و رعایت منافع متقابل جستجو می شود.

اما هر یک از کشور ها بدون شک، سعی دارند که در امتیاز گیری از همدگر سبقت بجویند. ایالات متحده بر این مبنا، صید خوبی را در تور سیاسی اش به دست آورده بود، اما حساسیت موضوع و موقع شکار را دقیق ساخته نتوانست. چه این مساله یک مقدار به مناسبات داخلی و اپوزیسیون مابی های برخی حلقات در برابر اوباما در خود امریکا بر می گردد اما عملیست مخالف منافع ملی امریکا که برای تمام حلقات سیاسی آن کشور اهمیت یک سان دارد. اگر باز هم دولت امریکا به وقت و زمان به اهمیت قضیه توجه نمی کرد وبا ماست مالی های سیاسیش، آن را کم اهمیت جلوه نمی داد، ممکن بر مبنای تحریکات حلقات ضد روسی در داخل امریکا، سیر حرکت قضایا به طرف دیگر سوق می گردید.

امریکا در مسایل جهانی به توافقات روسیه نیاز دارد و روسیه طرف شدن با امریکا را هنوز پیش از وقت می داند

با عدم در نظر گیری مسایل عمومی جهانی، در منطقه ای که ما زندگی می کنیم، ایالات متحده درگیر بحران است. مثلا افغانستان، ایران و عراق. درگیری در بحران، در حالتی است که ایالات متحده با متفق جانی جانی اش «انگلیستان» بر حل بسیاری از مسایل، در مجبوحه ای از بگو مگو هایی واقع شده که گپ آن از پرده داری های سیاسی

برون برآمده و بر موضع گیری های متفقین دیگر تاثیر گذار شده است. از این جهت بیلانس نیاز مندی های امریکا به خاطر جلب طرفدرای روسیه در قضایا برای آن کشور روز تاروز پر اهمیت شده می رود و مجبور میگردد که چه امتیازاتی پیشنهادی خودش ویا امتیازات دخواه روسیه را بر گردنش بپذیرد به ویژه در مساله ایران و افغانستان. به خاطری که امریکا نتوانست در آسیای میانه و به ویژه در قضیه قرغزستان بر روسیه برتری پیدا نماید و نفع پیش بینی شده ازجریانات آن کشور بردارد. زیرا محاسبات استخباراتی ایالات متحده مانند گرجستان و اوکرائین چنان از آب درنیامدند که سیاسیون آن کشور به محاسبه گرفته بودند.

در روابط مبارزات رقابتی هر دو کشور، روح اساسی مساله را، دقیق ساختن بیلانس ها مشخص ساخته می تواند و طوری که دیده می شود در دوش تند و گرم امریکا، امواج خاموش سیاست روسیه اظهار برتری می کنند و امریکا را مجبور می سازند که در حل قضایا به نقش روسیه باور و منافع و امتیازات این کشور را در نظر داشته باشد. چه این مساله همان گونه که در داخل امریکا بر برخی از حلقه های ضد اوباما که ضد روسیه هستند شایدخوش نخورد، برخی از متحدین بین المللی امریکا را نیز ممکن بیازارد، اما امریکا چاره ای ندارد زیر این کشور د رحال حاضر به حیث سردمدار بازی شطرنج سیاسی جهانی باید، عملی بکند که در چال خود به سوی کشت ومات حرکت نکند.

با توجه به موقف رهبران هر دو کشور در قضیه جاسوسی میان آنان، وعلاقمندی به مناسبات دوستانه و تفاهم سیاسی، اگر باز هم این قضیه بتواند در عقب انداختن روابط میان امریکا و روسیه موثر واقع گردد و روند آن را طولانی سازد به همان پیمانیه دست حلقات مخالفین اوباما بلند می گردد، که می خواهند در جهت دسکریدت ساختن رهبرشان سعی به خرچ دهند. این حلقات، بنیاد گرایان کهنه

کار سیاسی اند که هنوز از حوادث و رخداد های جهان سردر نیاورده به دموکراسی اعتقاد نداشته و از روسیه به مثابه یک ابر قدرت جهانی هراس دارند. اما نمی دانند که این هراس صرف در نزدیکی دو کشور از بین رفته می تواند و بس. بالمقابل در روسیه نیز چنین حلقاتی هنوز وجود دارند که امریکا را به مثابه امپریالیزم گذشته مطالعه میکنند و راه هر نوع نزدیکی و تفاهم با آن را مردود می شمارند.

گذشته از تنگ نظری های سیاسی دو جانبه کوتاه ساختن دست های خارجی در اوکراین، گرجستان، آسیای میانه از جمله ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان و به ویژه قرقیزستان بدبخت و بیچاره که دروازه بجران به سوی تمام کشوری های شوروی سابق شمرده می شود. حل مساله افغانستان به شیوه ای که باید شود. دریافت راه حل برای ایران. هنوز مشخص نیست که ایران به سرنوشت عراق مواجه می شود و یا راه حل دیگری برای آن جستجو می گردد؟. مساله کاهش تسلیحات تهاجمی و بر ملا شدن تمام سیاست های پشت پرده، این قضیه که تا کنون از بسیاری نظر ها پنهان مانده است. حل مسایل بر طرف سازی ویزا برای اتباع روسیه در کشور های اتحاد اروپایی و شامل شدن روسیه فدراتیف در سازمان بین المللی تجارت جهانی مسایلی اند که هردو کشور را مجبور می سازند تا مساله جاسوسی و رقابت های استخباراتی میان خود را چندان اهمیت قایل نشوند.